



مذمت حقوق

دوره ۵ - شماره ۱۰ - بهار ۱۴۰۱

شماره چاپی: ۱۸۴۱ - ۳۷۸۳
شماره الکترونیکی: ۱۹۲۲ - ۳۷۸۳

- مسئولیت مدنی کارشناس رسمی دادگستری در حقوق ایران و فرانسه با تاکید بر رویه قضایی حسن بادینی، سپیده راضی، محمد مهدی پور
- همدلی‌های سعدی شیرازی با آموزه‌های حقوق عمومی مدرن مجید نجارزاده هنجنی
- حمایت کیفری از حق بر محیط‌زیست شیما نادری، مجید مطلبی
- تبیین نقش جامعه مدنی در تحقق حقوق شهروندی فرزانه دشتی، عبدالکریم شاحیدر
- آثار افزایش سرمایه شرکت‌های سهامی در حقوق ایران و آمریکا افشین مجاهد
- چالش‌های قضایی مقابله با جرایم زیست محیطی در حقوق کیفری ایران اسماعیل کشکولیان، عباس شیخ الاسلامی
- رویکرد حقوق هوایی بین‌المللی نسبت به مسئولیت ناشی از نشر ویروس کرونا در حمل و نقل هوایی یگانه سادات صفوی
- آثار قراردادهای دولتی در حقوق ایران و انگلستان محمدرضا پورپور
- میانجیگری، نظام عدالت مشارکتی، نسل سوم نظام عدالت کیفری و حقوق اطراف دعوا صادق فتیلی، سید محمد صالحی
- ارزش و اعتبار نظریه کارشناسی در حقوق ایران و فرانسه سید جعفر هاشمی باجگانی، میثم سبحانی
- رویکرد سیاستگذاری‌های زیست محیطی در کاهش مخاطرات؛ راهبردها و رهیافت‌ها زهرا طلیعه علیا، داوود خرم دل
- قواعد فقهی کارا در مسئولیت اتلاف عمر اشخاص حمید سلیمانی، رحیمه عباسی بناری
- نقش نهادهای سازمان ملل متحد در پیشگیری از آلودگی‌های محیط زیستی ناشی از پسماندها به منزله امنیت زیست جهانی رستم علی اکبری، سید مهدی موسوی
- مبانی تصحیح قراردادهای غیرمعمود با تمسک به اطلاقات و عمومات شرعی سید علیرضا امین
- فناوری‌های نوین باروری-زیستی و حقوق کودک؛ درآمدی بر آینده کودکی در ایران مریم شعبان
- آسیب شناسی کیفرگذاری موجود در جرایم خانوادگی موضوع کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵؛ از تبیین آسیب‌ها تا ارائه راهکارها مهدی مقفری اناری، محمد امینی زاده، علی عارفی مسکونی
- مجرای اصل صحت در معاملات با تاکید بر امکان جریان آن در شبهات حکمیة مانده چینی ساز، امید محمدی، قاسم شعبانی
- پیرامون نظریه بطلان تحقیقات مقدماتی در فرآیند دادرسی کیفری ایران (با توجه به قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۰۴) مسعود فدائی دهچشمه، امیر سلیمانی، حمیرا طاهری
- تأملی بر قانون حاکم بر تعهدات قراردادی عقد بیمه در ایران و ایالات متحده آمریکا فرزاد گرمی کلمتی، حامد بابانی
- بررسی تأسیس بیلمنت در نظام حقوقی انگلستان، ایالات متحده آمریکا و تطبیق آن با نهاد امانت در حقوق ایران نسترن ارزانیان، مهساسادات نبوی
- معیار تفکیک جرم آدم‌ربایی از جرایم مشابه در نظام کیفری ایران احمدرضا امتحانی، جواد نادری عوج بغزی، علی پاپدارفرد
- درآمدی بر اصول و موانع استرداد مجرمین در حقوق بین الملل رضا علی پناه
- آثار کرونا بر عدالت کیفری اطفال و نوجوانان با نگاهی به حقوق ایالات متحده آمریکا پیمان دولتخواه پاشاکی
- جلوه‌های تغییر در سیاست کیفری افتراقی جرائم نیروهای مسلح ایران و ایالات متحده آمریکا با روش کیفرزدانی و جرم زدایی پاسر شاکری، علیرضا صالحی، غلامحسین رضایی



Judicial Challenges in Combating Environmental Crimes in Iranian Criminal Law

چالش‌های قضایی مقابله با جرایم زیست‌محیطی در حقوق کیفری ایران

Esmaeil Kashkoulia

PhD in Criminal Law and Criminology, Lecturer, Islamic Azad University, Isfahan Branch, Isfahan, Iran (Corresponding Author)

Abass Sheikholeslami

Associate Professor, Department of Law, Islamic Azad University, Mashhad Branch, Mashhad, Iran

اسماعیل کشکولیان

دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول)

esmaeil.kashkoulia67@gmail.com
<http://orcid.org/0000-0003-4530-5409>

عباس شیخ‌حوله‌اسلامی

دانشیار گروه حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد، مشهد، ایران
dr.sheikholeslami@gmail.com

Abstract

Background and Aim: The need to deal with crimes and attacks on the environment has always been considered by the Iranian judiciary and so far, various regulations and measures in the form of legislative and judicial policies against crimes in this area have not been effective and effective deterrence. This study aims to identify and explain the challenge of tackling environmental crimes from the perspective of Iranian law and jurisprudence.

Materials and Methods: The research method in this research is descriptive-analytical through library studies, including books, articles and researches that are related to the subject and in line with the objectives of the article.

Ethical considerations: In this research, the originality of the texts, honesty and trustworthiness have been observed.

Findings: In general, at the judicial level, there are challenges such as lack of judicial strategy and policy regarding the environment, delays in prosecuting environmental crimes and lawsuits, as well as the lack of a participatory approach that can disrupt the mission of judicial authorities in order to It will guarantee the implementation of environmental rights.

Conclusion: Considering the legislative and judicial policy in the Iranian penal system, it is recommended to formulate and explain a unified and coherent approach to environmental crimes on behalf of civil society organizations in order to have a participatory strategy against these crimes.

Keywords: Environmental crimes, Iranian criminal law, Judicial challenge, Prevention.

چکیده

زمینه و هدف: لزوم مقابله با جرایم و تعرضات نسبت به محیط زیست همواره مورد توجه نظام قضایی ایران بوده است و تاکنون، مقررات و اقدامات متعددی در قالب سیاست‌های تقنینی و قضایی در قبال جرایم این حوزه اتخاذ شده است که از اثربخشی و بازدارندگی مؤثری برخوردار نیستند. این مطالعه با هدف شناسایی و تبیین چالش مقابله با جرایم زیست‌محیطی از منظر قانون و رویه قضایی ایران ارائه شده است.

مواد و روش‌ها: روش تحقیق در این پژوهش به صورت توصیفی - تحلیلی از طریق مطالعات کتابخانه‌ای اعم از کتب، مقالات و پژوهش‌هایی است که مرتبط با موضوع بوده و در راستای اهداف مقاله بوده‌اند.

ملاحظات اخلاقی: در این تحقیق، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

یافته‌ها: به‌طور کلی در سطح قضایی، چالش‌هایی همچون فقدان راهبرد و خط‌مشی قضایی در خصوص محیط زیست، اطلاع‌دادرسی در رسیدگی به جرایم و دعاوی زیست‌محیطی و همچنین عدم اتخاذ رویکرد مشارکتی به چشم می‌خورند که قابلیت اختلال در انجام رسالت مقامات قضایی به منظور تضمین ضمانت‌اجراهای حقوق محیط زیست را خواهد داشت.

نتیجه‌گیری: نظر به سیاست تقنینی و قضایی در نظام کیفری ایران، وضع و تبیین رویکردی واحد و منسجم در قبال جرایم زیست‌محیطی، به‌رمندی از ظرفیت نهادهای مدنی در راستای راهبرد مشارکتی در قبال جرایم مذکور توصیه می‌شود.

واژگان کلیدی: جرایم زیست‌محیطی، حقوق کیفری ایران، چالش‌های قضایی، پیشگیری.

ارجاع:

کشکولیان، اسماعیل؛ شیخ الاسلامی، عباس؛ (۱۴۰۱)، چالش‌های قضایی مقابله با جرایم زیست‌محیطی در حقوق کیفری ایران، تمدن حقوقی، شماره ۱۰.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author (s) , with publication rights granted to Legal Civilization. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>) , which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



CC BY-NC-SA



مقدمه

وضع قانون یکی از مهم‌ترین و اصلی‌ترین مراحل در حفاظت از محیط زیست محسوب می‌شود؛ لیکن صرف قانون‌گذاری برای حفاظت از محیط زیست کافی نیست و مقررات وضع شده باید توسط نهادهای ذیصلاح اجرا شوند و اجرا نشدن آن نیز دارای ضمانت قضایی باشد و این ضمانت‌های قانونی توسط مقامات قضایی صالح تضمین شود، اما آنچه ضروری به نظر می‌رسد آن است که دستگاه قضایی از انسجام، زیرساخت، برنامه‌ریزی و راهبردهای علمی و کاربردی مؤثری برای مقابله با جرایم و تعرضات نسبت به محیط زیست برخوردار باشد؛ در غیر این صورت، نظام قضایی با چالش‌هایی روبه‌رو خواهد بود که نه تنها توانایی لازم برای مقابله با جرایم مذکور را نخواهد داشت؛ بلکه می‌تواند سبب بروز بیش از پیش این جرایم را نیز فراهم نماید.

اهمیت انجام پژوهش حاضر از آن جهت است که شناخت موانع و چالش‌های نظام قضایی در باب مقابله و پیشگیری از تعرضات به محیط زیست، نخستین گام در راستای پیشگیری از جرایم مذکور است که مطابق با آن‌ها می‌بایست راهبردهای مؤثر، کاربردی و علمی تبیین و اعمال شود. آنچه این پژوهش را از سایر آثار و پژوهش‌های مرتبط منفک ساخته آن است که این مقاله با رویکرد مسئله محوری و کاربردی انجام شده است و سعی بر آن دارد که مهم‌ترین موانع پیش روی دستگاه قضایی کشور را در قبال پیشگیری و مقابله با جرایم زیست‌محیطی مورد شناسایی قرار داده و از تشریح مسائل صرفاً تئوریک امتناع ورزد.

۱- مفهوم جرایم زیست‌محیطی

بر مبنای آنچه که گفته شد و همسو با تعریف عام مقرر شده در ماده «۲»^۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، تبصره دوم^۲ ماده ۶۸۸ قانون تعزیرات (کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی) مصوب ۱۳۷۵، آلودگی محیط زیست را به «... پخش یا آمیختن مواد خارجی به آب یا هوا یا خاک یا زمین به میزانی که کیفیت فیزیکی، شیمیایی یا بیولوژیک آن را به طوری که به حال انسان یا سایر موجودات زنده یا گیاهان یا آثار یا ابنیه مضر باشد تغییر دهد» تعریف نموده است. اشکال تعریف مزبور در این است که برخی از مصادیق جرایم زیست‌محیطی نظیر تخریب مراتع، قطع درختان و غیره در آن دیده نمی‌شوند. مقدمه کنوانسیون دریاها (مصوب ۱۹۸۳) در تعریفی مضیق‌تر و متناسب با عنوان خویش، آلودگی محیط زیست را عبارت از «... ریختن مواد و انرژی توسط بشر به طور مستقیم یا غیرمستقیم در محیط زیست دریایی که منجر به صدمه و خسارت به منابع زنده و حیات دریا، زیان به سلامتی بشر، وقفه در فعالیت‌های دریایی از جمله ماهیگیری و سایر استفاده‌های مشروع از دریا، لطمه به کیفیت آب مورد استفاده و کاهش مطبوع بودن آن گردد» دانسته است (باباخانی، ۱۳۹۸، ۲۹). در تعریفی دیگر از جرم زیست‌محیطی این چنین آمده است: هر نوع رفتار اعم از فعل یا ترک فعل که موجب آسیب به محیط زیست و به خطر افتادن زندگی بشر و موجودات دیگر شود (تقی زاده انصاری، ۱۳۹۶، ۲۹).

اشکال وارد بر تعریف مذکور، عدم توجه به رکن قانونی است؛ از نظر نگارندگان، می‌توان با در نظر گرفتن اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها، در تعریف جرم زیست‌محیطی این گونه بیان داشت: «هر نوع رفتار اعم از فعل یا ترک فعل که موجب آسیب به محیط زیست و به خطر افتادن زندگی بشر و موجودات دیگر شود و در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد، جرم زیست‌محیطی نام دارد.» با توجه به آنچه گفته شد، به نظر می‌رسد که ارتکاب جرم زیست‌محیطی در سه سطح قابل تصور است: سطح نخست شامل جرایم اتفاقی ارتكابی در این حوزه است که به بهترین وجه در قوانین کیفری پیش‌بینی گردیده است. سطح دوم مربوط به استراتژی شرکت‌ها و سطح سوم مربوط به ارتکاب سازمان یافته جرایم مزبور است.

۱- ماده ۲: هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است جرم محسوب می‌شود.

۲- تبصره ۲: منظور از آلودگی محیط زیست عبارتست از پخش یا آمیختن مواد خارجی به آب یا هوا یا خاک یا زمین به میزانی که کیفیت فیزیکی، شیمیایی یا بیولوژیک آن را به طوری که به حال انسان یا سایر موجودات زنده یا گیاهان یا آثار یا ابنیه مضر باشد تغییر دهد.

۲- موانع قضایی مقابله با جرایم زیست محیطی

در یک نگاه کلی، مهم‌ترین چالش‌های قضایی پیش روی جرایم زیست محیطی در نظام کیفری ایران را می‌توان در «فقدان راهبرد قضایی»، «اطاله دادرسی» و «عدم اتخاذ رویکرد مشارکتی» خلاصه نمود که در ادامه به بررسی آن‌ها می‌پردازیم.

۲-۱- فقدان راهبرد قضایی

چنانچه متون تقنینی در حوزه محیط زیست، با دقت و ظرافت و لحاظ نمودن اصول و اهداف نظام زیست محیطی کشور نگارش و تدوین شوند، لیکن دستگاه قضایی به‌طور عام و نظام عدالت کیفری به‌طور خاص، باور و جدیتی نسبت به اهداف مزبور نداشته باشند، عملاً در این حوزه توفیقی حاصل نخواهد شد. با وجود لزوم برخورداری از انسجام در مقررات قضایی ناظر بر جرایم زیست محیطی (کوشکی، ۱۳۸۸، ۹) و به‌رغم انجام برخی اقدامات، به نظر می‌رسد دستگاه قضایی کشور چندان جدیتی در خصوص جرایم زیست محیطی و مقابله با آن‌ها نداشته و این عدم جدیت، در قالب فقدان راهبرد قضایی در مورد جرایم مزبور متبلور گشته است.

از جمله عللی که موجبات تحقق این رویکرد را فراهم آورده این است که در نظام قضایی کشور، ارزش‌های زیست محیطی آن چنان مهم جلوه نمی‌کنند؛ لذا به بهره‌گیری از ابزارهای کیفری در جهت مقابله با جرایم زیست محیطی، تمایل و اهتمامی نشان نمی‌دهند؛ این در حالی است که نمی‌توان با بهره‌گیری صرف از واکنش‌های کیفری در قالب رأی محاکم قضایی، نظیر جزای نقدی یا حبس انتظار داشت که جرایم زیست محیطی روندی نزولی را طی کنند. حال که فقدان راهبرد قضایی در قبال جرایم زیست محیطی در نظام قضایی ایران محرز گردید، اکنون بایستی مصادیق آن را مطالعه و ارزیابی نمود.

۲-۲- فقدان پیش‌بینی مراجع ویژه در رسیدگی به جرایم و تخلفات زیست محیطی

۲-۲-۱- مرجع ویژه قضایی

تأسیس مراجع و نهادهای ویژه (اعم از تخصصی و اختصاصی) در حقوق کیفری، در زمره استلزامات تخصص‌گرایی و به‌کارگیری افراد متخصص و اهل فن به‌عنوان مقام قضایی است که به جهت فنی و پیچیده‌بودن جرایم زیست محیطی، در تحقق اهداف عدالت کیفری در حوزه محیط زیست بسیار تأثیرگذار است. به بیان دیگر، فقدان دادگاه ویژه برای رسیدگی به جرایم زیست محیطی سبب می‌شود که

رسیدگی به این پرونده‌ها با اطاله دادرسی مواجه شده و برای مدت زمان طولانی، به طول بیانجامد؛ علاوه بر این‌ها این موضوع که اساساً تشکیل دادگاه‌های ویژه جلوه‌ای از اهمیت موضوع و سبب انسجام رویه قضایی می‌گردد، برای اثبات ضرورت تشکیل آن‌ها کافی است. در همین راستا، امروزه نظام قضایی در اغلب کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه، در راستای اعتلای حقوق و همچنین تحقق یک دادرسی منصفانه، اقدام به تخصصی نمودن محاکم کیفری خود نموده‌اند (قدسی و گلدوزیان، ۱۳۹۲، ۱۲).

۲-۲-۲- مرجع ویژه اداری - انضباطی

با عنایت به عدم نهادینه‌سازی فرهنگی احترام به محیط زیست و فقدان درک قبح ارزشی لطمه به آن، در برخی موارد قابلیت سرزنش کیفری مرتکبان جرایم زیست‌محیطی زیر سؤال است. از این رو بسیاری از کشورها با قضا‌دایی از برخی حوزه‌های جرایم زیست‌محیطی، مبادرت به اعمال ضمانت‌اجراهای اداری در خصوص جرایم زیست‌محیطی کرده‌اند که فقدان آن‌ها در نظام حقوقی ایران قابل تأمل است. پیش‌بینی نهادهای تخصصی اداری که مبادرت به اعمال ضمانت‌اجراهای اداری کنند، از این مزیت برخوردار است که علاوه بر فوریت در رسیدگی، سبب می‌شود که ضمانت‌اجراهای جایگزین با تخصص و انعطاف‌پذیری بیشتر اعمال شود (مهدوی و علی‌نژاد، ۱۳۹۵، ۱۵). ضمانت‌اجراهای مزبور بایستی در فرایند رسیدگی خاص حقوق اداری و از طریق هیأت‌های رسیدگی اداری و دادگاه‌های اداری انجام شوند؛ چراکه کارشناسان و قضات نهادهای مذکور از تخصص، تبحر و آموزش‌های ویژه و منحصر به فردی برخوردار می‌باشند که قضات دادگاه‌های کیفری و مدنی از آن بهره‌مند نمی‌باشند (درویشی و زینالی، ۱۳۹۳، ۱۷).

۲-۳- عدم به کارگیری رویکرد افتراقی در رسیدگی

امروزه مشاهده می‌کنیم که حقوق کیفری چه در بُعد ماهوی و چه در بُعد شکلی، از کارکردهای سنتی خویش فاصله گرفته است. به عنوان نمونه از بُعد ماهوی، رفتارهایی را جرم‌انگاری می‌کند که بیشتر جنبه فنی و تخصصی دارند و شاخه‌هایی مثل حقوق کیفری اقتصادی، حقوق کیفری محیط زیست و غیره نشان از فنی شدن حقوق کیفری دارد (نجفی ابرندآبادی و همکاران، ۱۳۹۶، ۱۲۷). از بُعد شکلی نیز حقوق کیفری، تمایل به افتراقی شدن آیین دادرسی دارد؛ افتراقی بودن نظام دادرسی چنان‌که از نامش بر می‌آید، ناظر به تشّت و تفرّق و جزیره‌ای شدن آیین دادرسی است (بیگی زاده و همکاران، ۱۳۹۹، ۴۶). یکی از حوزه‌هایی که بایستی افتراقی‌سازی آیین دادرسی کیفری در قلمرو آن تجلی پیدا کند، جرایم

زیست محیطی است، چراکه لزوم حمایت کیفری همه‌جانبه از محیط زیست که یکی از بایسته‌های حمایت کیفری از محیط زیست است، افتراقی‌سازی در این حوزه را بیش از گذشته، لازم و ضروری می‌نماید؛ از این رو یکی از مواردی که می‌توان از محیط زیست حمایت نمود، افتراقی‌سازی دادرسی کیفری سبز است (حاجی‌وند و میرکمالی، ۱۳۹۵، ۸).

۳- مبانی رسیدگی افتراقی به جرایم زیست محیطی

۳-۱- نهادینه‌سازی حق بر محیط زیست سالم

حق بر محیط زیست سالم به دنبال اقتضائات زندگی مدرن، در نسل سوم حقوق بشر مطرح شد که این حق را در زمره یکی از مصادیق حقوق جمعی و حقوق همبستگی معرفی نموده‌اند. حق بر محیط زیست سالم همانند سایر حقوق مدنی و سیاسی برای توسعه پایدار حائز اهمیت است و این موضوع در دهه‌های اخیر مورد پذیرش قرار گرفته است (نظری توکلی، ۱۳۹۳، ۱۹). دادخواهی زیست محیطی، یکی از اجزای طبیعی حق بر محیط زیست سالم است، حقی که به همه افراد حداقل شهروندان، اجازه می‌دهد نسبت به موارد تخریب یا آلودگی محیط زیست علاوه بر این که موجبات خسارت و ضرر شخصی و فردی مستقیم را فراهم نموده باشد، به جهت نفع عمومی اقامه دعوی نماید. یکی از تضمین‌های مستحکم دستیابی حق بر محیط زیست سالم، افتراقی‌سازی رسیدگی به جرایم سبز است (نوریان و سلیمی، ۱۰، ۱۳۹۶)؛ بنابراین افتراقی‌سازی آیین دادرسی جرایم زیست محیطی، علاوه بر فواید اجرایی، تضمینی مناسب در جهت نهادینه‌سازی حق بر محیط زیست سالم شهروندان نیز است.

۳-۲- اصل دفع ضرر

همان‌طور که می‌دانیم ضرر دارای معنایی عرفی است و از این رو رجوع به کتب لغت برای فهم آن لازم نیست، چراکه با مراجعه به آن‌ها نیز این امر روشن می‌شود که آن‌ها هم سعی نموده‌اند که معنای عرفی ضرر را بیان نمایند. در خصوص معنای عرفی ضرر آن را به نداشتن و یا فقدان هریک از مواهب زندگی، جان، مال، حیثیت و هر چیز دیگری که می‌توانیم از آن بهره‌مند شویم، معنا نموده‌اند (حسینی و محمدی، ۱۶، ۱۳۹۶). مطابق با این توضیح در خصوص معنای عرفی ضرر، فقدان و نبود یک دادرسی عادلانه از طریق افتراقی و تخصصی بودن، مصداق عینی ضرر به یک جامعه و شهروندان آن است.

۳-۳- رسیدگی افتراقی به جرایم زیست‌محیطی در نظام حقوقی ایران

در حال حاضر در نظام حقوقی ایران، با پیش‌بینی ماده «۲۵»^۳ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، شاهد گسترش دادرسی‌های تخصصی هستیم. این ماده به رییس قوه قضاییه این اختیار را داده است که اقدام به تشکیل دادرسی‌های تخصصی نماید که در واقع، پیام آور بحث افتراقی شدن و فنی شدن رسیدگی‌ها در مرحله پیش دادرسی به‌ویژه در جرایمی است که مجرمین آن از حالت خطرناکی بالایی برخوردارند. در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، یکی از بسترهای قانونی افتراقی‌سازی دادگاه‌ها ماده ۵۶۶ «۵۶۶»^۴ است که مقنن به موجب این ماده، این ظرفیت را ایجاد کرده است تا مراجع قضایی به سمت افتراقی‌سازی دادگاه‌ها پیش بروند. از آنجا که وظیفه قوه قضاییه حسب اصول شصت و یکم^۵ و یکصد و پنجاه و ششم^۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، حفظ حقوق عمومی، احیای حقوق عامه و نظارت بر حسن اجرای قوانین است، اما متأسفانه در جهت تشکیل دادگاه‌های تخصصی زیست‌محیطی در تمامی شهرستان‌ها گام برداشته نشده است. پرواضح است که یکی از حقوق عامه که همگان از آن بهره‌مند می‌شوند، حق بر محیط زیست سالم و ایمن است، تضمین حفاظت از این حق، برخوردی تخصصی و افتراقی را می‌طلبد و یکی از حوزه‌های افتراقی‌سازی، تشکیل دادگاه‌های تخصصی در جرایم زیست‌محیطی است (رحیمی نژاد، ۱۳۹۹، ۱۳).

-
- ۳- ماده ۲۵: به تشخیص رییس قوه قضاییه، دادرسی‌های تخصصی از قبیل دادرسی جرائم کارکنان دولت، جرائم امنیتی، جرائم مربوط به امور پزشکی و دارویی، رایانه‌ای، اقتصادی و حقوق شهروندی زیر نظر دادرسی شهرستان تشکیل می‌شود.
 - ۴- تمام مراجع قضایی موضوع این قانون مکلفند با توجه به نوع دعاوی، به تخصیص شعبه یا شعبی از مراجع قضایی برای رسیدگی تخصصی اقدام کنند.
 - ۵- اصل شصت و یکم: اعمال قوه قضاییه به وسیله دادگاه‌های دادگستری است که باید طبق موازین اسلامی تشکیل شود و به حل و فصل دعاوی و حفظ حقوق عمومی و گسترش و اجرای عدالت و اقامه حدود الهی بپردازد.
 - ۶- اصل یکصد و پنجاه و ششم: قوه قضاییه قوه‌ای است مستقل که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت و عهده دار وظایف زیر است: ۱- رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات، تعدیات، شکایات، حل و فصل دعاوی و رفع خصومات و اخذ تصمیم و اقدام لازم در آن قسمت از امور حسبه که قانون معین می‌کند. ۲- احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی‌های مشروع. ۳- نظارت بر حسن اجرای قوانین. ۴- کشف جرم و تعقیب مجازات و تعزیر مجرمین و اجرای حدود و مقررات مدون جزایی اسلام. ۵- اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین.

۴- اطلاع دادرسی

تحقق عدالت از مهم‌ترین اهداف دستگاه قضایی تلقی می‌شود. یکی از ویژگی‌های هر دستگاه قضایی جهت تحقق عدالت، دادرسی در اسرع وقت است. در یک دادرسی منصفانه، همچنان‌که دقت و کیفیت در آن حائز اهمیت است، سرعت نیز در تحقق آن اهمیت بسیاری دارد؛ به طوری که گاهی تأخیر نامتعارف در حل اختلافات و صدور حکم، موجب بی‌اعتباری آرای صادره و همچنین بروز ناامیدی و نارضایتی مراجعین به دستگاه قضایی می‌شود (لطفیان و نصری فخر داوود، ۱۳۹۷، ۳).

۴-۱- مفهوم و آثار اطلاع دادرسی

در تعریف اطلاع دادرسی آمده است: «اطلاع دادرسی به درازا کشیدن و طولانی‌شدن فرایند (جریان) دادرسی در مراجع قضایی به دلایل موجه و غیرموجه در مراحل مختلف رسیدگی اعم از تحقیقات محاکمه و اجرا است.» (گلدوست جویباری و پیوست، ۱۳۹۰، ۹۵). به کارگیری واژه اطلاع در نظام عدالت کیفری از موضوعات بحث‌برانگیز است. برخلاف سایر حوزه‌های خدمات عمومی مانند بهداشت و درمان، حمل‌ونقل، آموزش و غیره که هیچ تأخیر و اطلاع‌ای پذیرفتنی نیست، اطلاع در رسیدگی کیفری در دو دسته «اطلاع قابل قبول» و «اطلاع غیرقابل قبول» قابل طرح است، در واقع، اطلاع غیرقابل قبول ناظر بر اطلاع اداری مانند فرایند طولانی تشکیل پرونده، انتقال و ارجاع آن از یک نهاد و مرحله به نهاد و مرحله دیگر، استعلامات و غیره است. اطلاع پذیرفتنی و موجه، اطلاع ناشی از رسیدگی قضایی و تحقیق و بررسی دقیق ادله، اظهارات طرفین و غیره است.

در واقع ماهیت و طبع رسیدگی قضایی، امری پیچیده، زمان‌بر و مستلزم تدقیق در اتهام مورد نظر است. باوجوداین در برخی موارد، ترسیم مرزبندی دقیق میان این دو امکان‌پذیر نیست (قاسمی کهریزسنگی و فرجیها، ۱۳۹۴، ۱۱). اطلاع دادرسی نه تنها بر عامل زمان اثرگذار است، بلکه موجب افزایش هزینه‌های دادرسی نیز می‌شود (وطنی و نرگسیان، ۱۳۹۷، ۱۲). افزایش هزینه‌های دستگاه کیفری نیز به همراه عواملی چون اتلاف منابع محدود دستگاه عدالت کیفری و سایر اقتضانات مدیریتی و سیاست‌گذاری در این نظام، مدیران و قضات را به آمارگرایی و مختومه محوری وا می‌دارد (همتی، ۱۳۹۷، ۶).

۲-۴- توجه به اطاله دادرسی در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲

از نوآوری‌های قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، طرح «مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده دادرسی عادلانه» و یا «اصول راهبردی آیین دادرسی کیفری» است که در مواد «۱»، «۲»، «۳»، «۴»، «۵»، «۶»، «۷» و «۸» قانون مذکور پیش‌بینی شده است. اصولی نظیر اصل برائت، اصل قانونی بودن دادرسی، اصل برابری سلاح‌ها، اصل استقلال و بی‌طرفی مقام قضایی، اصل علنی بودن رسیدگی و اصل رسیدگی در مهلت معقول. مفهوم اخیر در سامانه حقوقی ایران به شکل نظام‌مند و انسجام یافته مورد توجه قرار نگرفته است و فقط شماری از مؤلفه‌های آن به‌طور پراکنده در شماری از قوانین و مقررات بازتاب یافته‌اند. هرچند در سال‌های اخیر این مفهوم در نوشتگان حقوقی به‌ویژه در حوزه علوم جنایی و نیز در حوزه قوانین دادرسی کیفری از جمله قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ مورد توجه قرار گرفته است؛ اما هنوز مورد واکاوی و سنجشگری دقیق قرار نگرفته است (میری، ۱۳۹۹، ۱۵).

۷- ماده ۱: آیین دادرسی کیفری مجموعه مقررات و قواعدی است که برای کشف جرم، تعقیب متهم، تحقیقات مقدماتی، میانجیگری، صلح میان طرفین، نحوه رسیدگی، صدور رأی، طرق اعتراض به آراء، اجرای آراء، تعیین وظایف و اختیارات مقامات قضایی و ضابطان دادگستری و رعایت حقوق متهم، بزه‌دیده و جامعه وضع می‌شود.

۸- ماده ۲: دادرسی کیفری باید مستند به قانون باشد، حقوق طرفین دعوی را تضمین کند و قواعد آن نسبت به اشخاصی که در شرایط مساوی به سبب ارتکاب جرائم مشابه تحت تعقیب قرار می‌گیرند، به صورت یکسان اعمال شود.

۹- ماده ۳: مراجع قضایی باید بابت بی‌طرفی و استقلال کامل به اتهام‌اتسای به اشخاص در کوتاه‌ترین مهلت ممکن، رسیدگی و تصمیم مقتضی اتخاذ نمایند و از هر اقدامی که باعث ایجاد اختلال یا طولانی شدن فرایند دادرسی کیفری می‌شود، جلوگیری کنند.

۱۰- ماده ۴: اصل، برائت است. هرگونه اقدام محدودکننده، سلب آزادی و ورود به حریم خصوصی اشخاص جز به حکم قانون و با رعایت مقررات و تحت نظارت مقام قضایی مجاز نیست و در هر صورت این اقدامات نباید به گونه‌ای اعمال شود که به کرامت و حیثیت اشخاص آسیب وارد کند.

۱۱- ماده ۵: متهم باید در اسرع وقت، از موضوع و ادله اتهام‌اتسای آگاه و از حق دسترسی به وکیل و سایر حقوق دفاعی مذکور در این قانون بهره‌مند شود.

۱۲- ماده ۶: متهم، بزه‌دیده، شاهد و سایر افراد ذیربط باید از حقوق خود در فرایند دادرسی آگاه شوند و سازوکارهای رعایت و تضمین این حقوق فراهم شود.

۱۳- ماده ۷: در تمام مراحل دادرسی کیفری، رعایت حقوق شهروندی مقرر در «قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳/۲/۱۵»، از سوی تمام مقامات قضایی، ضابطان دادگستری و سایر اشخاصی که در فرایند دادرسی مداخله دارند، الزامی است. متخلفان علاوه بر جبران خسارات وارده، به مجازات مقرر در ماده (۵۷۰) قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) مصوب ۱۳۷۵/۴/۴ محکوم می‌شوند، مگر آن که در سایر قوانین مجازات شدیدتری مقرر شده باشد.

۵- بسترهای شکل‌گیری اطلاع‌دادرسی در دعاوی زیست‌محیطی

۵-۱- فقدان مهارت قضات

انجام دادرسی در مهلت معقول به جرایم زیست‌محیطی، مستلزم آگاهی قضات از قوانین مرتبط و اقتضانات خاص موضوع مورد رسیدگی است؛ بنابراین مهم‌ترین مصداق فقدان مهارت در قضات (که منجر به اطلاع‌دادرسی می‌شود) را می‌توان عبارت از عدم تسلط کافی بر قوانین ماهوی و شکلی (بالاخص در موضوع خاص) دانست؛ البته با توجه به حجیم‌بودن مجموعه قوانین کشور نباید از قاضی انتظار داشت تا نسبت به همه قوانین، اشراف و تسلط داشته باشد؛ لیکن داشتن یک تسلط نسبی در عناوین قانونی و ناسخ و منسوخ‌بودن قوانین به نظر منطقی است (گلدوست جویباری و پیوست، ۱۳۹۰، ۲۳).

۵-۲- فقدان تخصص در ضابطین دادگستری

ضابطین دادگستری به‌عنوان مأمورانی که در خط مقدم مبارزه با جرم قرار دارند، نقش مهمی را در اجرای عدالت کیفری ایفا می‌کنند، زیرا آنان براساس قانون مکلفند که پس از وقوع جرم (در جرایم مشهود بدون نیاز به دستور و در جرایم غیرمشهود با کسب دستور از مقام قضایی) وارد عمل شوند و نسبت به کشف جرم، تعقیب و دستگیری مجرمین، بازجویی از آنان و جمع‌آوری ادله جرم اقدام کنند، کلیه این اقدامات از پیچیدگی و اهمیت خاصی برخوردار است، بنابراین داشتن تخصص لازم، شرط اجرای این مأموریت دشوار است. بدیهی است آشنایی این ضابطان با قوانین زیست‌محیطی، تخصص در نحوه تنظیم گزارش‌ها و انجام اقدامات ضروری اولیه در قبال جرایم زیست‌محیطی، در زمره موارد بااهمیتی است که تحقق آن در گرو وجود ضابطان ویژه جرایم زیست‌محیطی است. در نظام حقوقی ایران، ضابطان خاص در جرایم زیست‌محیطی منحصر به موارد خاصی از جمله جنگلبانان، مأموران سازمان حفاظت محیط زیست در اجرای قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست و قانون شکار و صید و مأموران شهرداری در اجرای حفظ و گسترش فضای سبز در شهرها به صورت محدود می‌باشند (شامبیاتی و پروینی، ۱۳۹۳، ۱).

۵-۳- عدم اتخاذ رویکرد مشارکتی

مشارکت مردم در امور عمومی از آن جایی ضرورت دارد که باعث آشنایی مردم با امکانات و محدودیت‌های موجود در نظام پیرامون آن‌ها می‌شود. مشارکت، تجربه شهروندی را فعال و مترقی ساخته و شهروندان را نسبت به نظم علاقه‌مند می‌کند؛ همچنین باعث افزایش آگاهی ایشان درباره وظایف دولت،

مردم، محدوده‌ها و محدودیت‌های حقوق دیگران می‌شود (محمودی جانکی و روستایی، ۱۳۹۲، ۲۰). در دوره معاصر، رشد روزافزون پدیده مجرمانه، همراه با ظهور اشکال و حجم‌های نوین و متنوع بزه و بزهکاری، بحران ناتوانی و ناکارآمدی و عدم موفقیت نظام عدالت کیفری در به‌کارگیری صرف ضمانت‌اجرای کیفری در زمینه پیشگیری از وقوع جرم و مقابله با بزهکاری و اصلاح بزهکاران، لزوم افزایش و تقویت عملکرد برنامه‌های سیاست جنایی و سایر عوامل اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و جرم‌شناختی، باعث جلب توجه به واقعیت مشارکت جامعه مدنی در برنامه‌های سیاست جنایی شده است (شیعه علی و همکاران، ۱۳۹۴، ۱۴). در همین راستا دیرزمانی نیست که گرایش جدیدی از سیاست جنایی بر پایه مشارکت هرچه وسیع‌تر و فعال ارکان جامعه مدنی به‌ویژه مردم در اجرای سیاست جنایی شکل گرفته که عبارت از «سیاست جنایی مشارکتی» است.

اصل مشارکت، حقی است متعلق به بازیگران متعدد اجتماعی که در امر نحوه برخورد با مسائل زیست‌محیطی مشارکت می‌نمایند (فهیمی و مشهدی، ۱۳۸۸، ۸). این اصل، در حمایت از محیط زیست دارای دو وجه است: یکی دربردارنده حق بر اطلاعات و دیگری حق بر مشارکت است. در این خصوص «کنوانسیون دسترسی به اطلاعات و مشارکت عموم در فرایندهای تصمیم‌گیری و دسترسی به عدالت در زمینه محیط زیست» یا کنوانسیون ۱۹۹۸ آرهوس نیز قابل استناد است (همتی، ۱۳۹۷، ۲۵ و ۲۶).

۶- حق دسترسی به اطلاعات زیست‌محیطی

امروزه به دلایل مختلف از جمله لزوم مبارزه با ویژه خواری و فساد، بهبود کیفیت خدمات عمومی، گسترش مشارکت شهروندان و ارتقای سطح زندگی آنان با آگاهی از اطلاعات کاربردی، «حق دسترسی به اطلاعات دولتی»^{۱۴}، اهمیت بسیار یافته است که معمولاً به‌عنوان زیرمجموعه آزادی بیان مطرح می‌شود (ملکی و سعیدی، ۱۳۹۵، ۳). در دنیای امروز دولت‌ها به‌عنوان یک تکلیف و در قالب ارائه خدمات عمومی، اطلاعات را در اختیار شهروندان خود قرار می‌دهند. بدیهی است که حق برخورداری از اطلاعات در رابطه با محیطی که انسان در آن زندگی می‌کند، یکی از حقوق اصلی و لازم برای ادامه زندگی سالم است. به دیگر سخن، انسان با دارا بودن اطلاعات کافی، بهتر می‌تواند برای زندگی خویش از حیث سلامتی، برنامه‌ریزی لازم را ترتیب دهد (مهرآ و همکاران، ۱۳۹۶، ۵).

۱-۶- در سطح بین‌المللی

در سطح بین‌المللی، حق برخورداری از اطلاعات و به‌ویژه اطلاعات دولتی به‌طور عام در اسناد متعددی مورد اشاره قرار گرفته است که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به ذیل ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر (مصوب ۱۹۴۸)، بند ۲ ماده ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (مصوب ۱۹۶۶) و نیز ماده ۱۰ کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد (مریدا ۲۰۰۳) اشاره نمود. در زمینه اطلاعات زیست‌محیطی به‌طور خاص نیز کمیسیون اقتصادی سازمان ملل برای اروپا، کنوانسیون آرهوس را در ۲۵ ژوئن سال ۱۹۹۸ با عنوان «محیط زیست برای اروپا» تصویب و در ماده یک راجع به دسترسی به اطلاعات محیط زیست می‌گوید: «... هر عضو باید متعهد به حفظ حق دسترسی به اطلاعات... در موضوعات زیست‌محیطی، مطابق با مقررات این کنوانسیون گردد.» علاوه بر کنوانسیون مزبور در اصل ۱۰ «بیانیه ریو پیرامون محیط زیست و توسعه» مصوب ژوئن ۱۹۹۲ نیز حق دسترسی به اطلاعات راجع به موضوعات زیست‌محیطی منعکس و مقرر شده است: «مسائل جهانی مربوط به محیط زیست، هنگامی به بهترین نحو حل و فصل می‌شود که کلیه شهروندان در سطوح مناسب در آن مشارکت داشته باشند. در سطوح ملی، هر فرد باید به اطلاعات مربوط به محیط زیست که در اختیار مقامات عمومی است دسترسی داشته باشد. دولت‌ها از طریق اشاعه عام اطلاعات مربوط به محیط زیست، باید در ترویج و ارتقاء آگاهی عمومی در این زمینه بکوشند.» (رضائی قوام آبادی و همکاران، ۱۳۹۵، ۱۶ و ۱۷).

۲-۶- نظام حقوقی ایران

در نظام حقوقی ایران، اگرچه در قانون اساسی تصریحی به حق دسترسی به اطلاعات نگردیده است^{۱۵}، لیکن نخستین بار در ماده «۵»^{۱۶} قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۴ قانون‌گذار به حق مطبوعات در دسترسی به اطلاعات تصریح نمود؛ پس از آن، «قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات» مشتمل بر ۲۳ ماده و ۷

۱۵- عده‌ای بر این اعتقادند که از اصل هشتم قانون اساسی (در خصوص انجام امر به معروف و نهی از منکر بالاخص توسط مردم نسبت به دولت) می‌توان تلویحاً، حق دسترسی به اطلاعات را نیز برداشت نمود؛ چراکه انجام این فریضه توسط مردم نسبت به دولت، مستلزم وجود حق دسترسی به اطلاعات است؛ یعنی تا زمانی که شهروندان، اطلاعات کافی نداشته باشند، نمی‌توانند حق یا تکلیف خود در امر به معروف و نهی از منکر نسبت به دولت را به‌درستی انجام و ادا نمایند.

۱۶- ماده ۵: کسب و انتشار اخبار داخلی و خارجی که به منظور افزایش آگاهی عمومی و حفظ مصالح جامعه باشد با رعایت این قانون حق قانونی مطبوعات است.

تبصره در جلسه علنی روز ۱۳۸۷/۱۱/۰۶ مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۸۸/۰۵/۳۱ از سوی مجمع تشخیص مصلحت نظام، با الحاق یک تبصره ذیل ماده ۱۰، موافق با مصلحت نظام تشخیص داده شد. به موجب ماده «۵»^{۱۷} قانون اخیرالذکر، مؤسسات عمومی مکلف گردیده‌اند که اطلاعات موضوع این قانون را در حداقل زمان ممکن و بدون تبعیض در دسترسی مردم قرار داده و به موجب ماده «۷»^{۱۸} نمی‌توانند از متقاضی دسترسی به اطلاعات، هیچ‌گونه دلیل یا توجیهی جهت تقاضایش مطالبه نمایند. با وجود این قابلیت تضمین دسترسی آزاد به اطلاعات زیست‌محیطی را دار نمی‌باشد؛ چراکه اولاً در خصوص ضمانت‌اجرای حق دسترسی به اطلاعات، ساکت بوده و نهادی را برای تجدیدنظر در تصمیمات مقامات اداری که در پاسخ به درخواست‌های متقاضیان اتخاذ می‌شود، پیش‌بینی ننموده است. ثانیاً شمار استثنائات وارد بر ارائه اطلاعات و در نتیجه محدودیت دسترسی به آن، به نحو چشمگیری زیاد است (رمضانی قوام آبادی و همکاران، ۱۳۹۵، ۱۱). ثالثاً فقط اتباع ایرانی اعم از حقیقی یا حقوقی حق دسترسی به اطلاعات را دارا می‌باشند، حال آن که کنوانسیون آرهوس، بدون تبعیض در تابعیت، اطلاعات قابل دسترسی را ارائه و اتباع بیگانه اعم از حقیقی یا حقوقی به اطلاعات کشورهای عضو دستیابی دارند (رمضانی قوام آبادی و همکاران، ۱۳۹۵، ۱۵).

۷- حق بر مشارکت زیست‌محیطی

تحقق اصل مشارکت علاوه بر حق دسترسی به اطلاعات زیست‌محیطی، مستلزم مشارکت عموم در فرایند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری و دسترسی و توسل به مراجع اداری و قضایی در حوزه محیط زیست است (سلاطین و غفاری صومعه، ۱۳۹۵، ۲۴ و ۲۵) که اصطلاحاً تحت عنوان حق بر مشارکت زیست‌محیطی از آن یاد می‌شود. از آنجا که محیط زیست، کالایی عمومی است، به تبع باید قبول کنیم برای حفظ آن به مداخله عموم نیازمندیم. اعطای سمت به شهروندان و به‌ویژه سازمان‌ها و انجمن‌های غیردولتی در طرح دعاوی منفعت عمومی یکی از کارآمدترین شیوه‌های مشارکت مردمی در سطوح مختلف تصمیم‌گیری و اجرای کارآمد حقوق محیط زیست و تحقق محیط زیست سالم است. از این رو بسیاری از کشورها با بهره‌گیری از تمامی ظرفیت‌های حقوقی اعم از قوانین موضوعه و تفسیر قضایی مناسب، راه را برای طرح دعاوی منفعت عمومی هموار کرده‌اند (جم، ۱۳۸۷، ۸).

۱۷- ماده ۵: مؤسسات عمومی مکلفند اطلاعات موضوع این قانون را در حداقل زمان ممکن و بدون تبعیض در دسترسی مردم قرار دهند.

۱۸- ماده ۷: مؤسسه عمومی نمی‌تواند از متقاضی دسترسی به اطلاعات هیچ‌گونه دلیل یا توجیهی جهت تقاضایش مطالبه کند.

۷-۱- در سطح بین‌المللی

برخی اسناد بین‌المللی عام همچون اعلامیه جهانی حقوق بشر (ماده ۲۱)، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (ماده ۲۵) و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (ماده ۱)، به‌طور مستقیم، موضوع مشارکت عمومی را پیش‌بینی کرده‌اند، ولی در میثاق اخیرالذکر برخلاف دو سند دیگر، به صورت عام‌تری به این مهم توجه شده و آن را در قالب «حق تعیین سرنوشت» مطرح می‌کند. در اسناد خاص مرتبط با محیط زیست نیز، اصل ۱۰ اعلامیه ریو، موضوع اصل مشارکت را مطرح می‌کند که در آن به‌طور روشن بر ضرورت مشارکت عموم تأکید شده است.

علاوه بر اعلامیه ریو باید به دستورکار شماره ۲۱ اشاره کرد که مشتمل بر برنامه‌های پویایی در خصوص اهداف، فعالیت‌ها، وسایل و روش‌های اجرایی است. این سند از جهات عدیده، اهمیت زیادی دارد؛ زیرا نه تنها به‌طور صریح، مشارکت عموم را به‌عنوان پیش شرطی بنیادی برای اجرای اصل توسعه پایدار تلقی می‌کند، بلکه فصل ۲۳ خود را زیر عنوان «تقویت نقش گروه‌های عمده» ذکر می‌نماید. غیر از اعلامیه ریو و دستورکار ۲۱، می‌توان به کنوانسیون‌های دیگری چون کنوانسیون تغییرات آب‌وهوایی (بند ط ماده ۴۱)، کنوانسیون تنوع زیستی (زیر بند الف بند اول ماده ۱۴)، کنوانسیون استکهلم مربوط به آلاینده‌های ارگانیک پایدار (زیر بند د بند ۱ ماده ۱۰)، پروتکل کارتاژن مربوط به پیشگیری از خطرهای فناوری زیستی (ماده ۲۳) و کنوانسیون مربوط به بیابان‌زدایی (بندهای الف و ج ماده ۳) اشاره نمود (چکنی و حسنی، ۱۳۹۷، ۱۷ و ۱۸) که به موضوع تشویق مشارکت عمومی در فرایند تصمیم‌سازی و مداخله بازیگران غیردولتی توجه دارند.

۷-۲- نظام حقوقی ایران

در نظام حقوقی ایران، مشارکت مردم در اداره جامعه، یکی از موضوعات مهمی است که در اصول (سوم^{۱۹}، ششم^{۲۰}، هفتم^{۲۱}، هشتم^{۲۲}، پنجاه و ششم^{۲۳}، پنجاه و نهم^{۲۴} و یکصد و چهارم^{۲۵}) قانون اساسی جمهوری اسلامی

۱۹- اصل سوم: دولت جمهور اسلامی ایران موظف است برای نیل به اهداف مذکور در اصل دوم، همه امکانات خود را برای امور زیر به کار برد: ۸- مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش.

۲۰- اصل ششم: در جمهوری اسلامی ایران امور کشور باید به اتکاء آراء عمومی اداره شود از راه انتخابات: انتخاب رئیس جمهور، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اعضای شوراها و نظایر این‌ها، یا از راه همه پرسی در مواردی که در اصول دیگر این قانون معین می‌شود.

ایران به آن تأکید شده است. مطرح نمودن سازمان‌های مردم‌نهاد در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ (ماده ۶۶)؛ یکی از جلوه‌های سیاست جنایی مشارکتی است که علاوه بر جنبه حمایتی از بزه‌دیده به‌ویژه بزه‌دیدگان خاص، نقش مهمی در تحقق حقوق شهروندی و پیشگیری از بزه دیدگی ثانوی ایفا می‌کنند؛ مضافاً اینکه در حوزه‌هایی که مدعی العموم به‌سادگی نمی‌تواند به آن‌ها ورود کند و بحث تعقیب دچار مشکل می‌شود، سازمان‌های مردم‌نهاد که امروزه برخی آنان را «دادستان خصوصی» یا «شبه دادستان» می‌نامند، در تعامل با دادستان قرار گرفته و سعی می‌کنند حامی حقوق افراد و جامعه باشند (چکنی و حسنی، ۱۳۹۷، ۲۴). باوجوداین، عدم پیش‌بینی حقوق شاکی برای سازمان‌های مردم‌نهاد، تا حد زیادی دامنه کارآمدی این مقرر را کاهش می‌دهد (پوریافرانی و همتی، ۱۳۹۵، ۱۹). توضیح مطلب اینکه در حقوق کیفری، مفهوم شکایت متفاوت از مفهوم اعلام جرم است؛ به‌طوری‌که به درخواست تعقیب جرمی که صرفاً

۲۱- اصل هفتم: طبق دستور قرآن کریم: و امرهم شوری بینهم و شاورهم فی الامر شوراها، مجلس شورای اسلامی، شورای استان، شهرستان، شهر، محل، بخش، روستا و نظایر این‌ها از ارکان تصمیم‌گیری و اداره امور کشورند. موارد، طرز تشکیل و حدود اختیارات و وظایف شوراها را این قانون و قوانین ناشی از آن معین می‌کند.

۲۲- اصل هشتم: در جمهوری اسلامی ایران دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه‌ای است همگانی و متقابل بر عهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت. شرایط و حدود و کیفیت آن را قانون معین می‌کند. والمؤمنون و المؤمنات بعضهم اولیاء بعض یا مرون بالمعروف و ینهون عن المنکر.

۲۳- اصل پنجاه و ششم: حاکمیت مطلق بر جهان و انسان از آن خداست و هم او، انسان را بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته است. هیچ کس نمی‌تواند این حق الهی را از انسان سلب کند یا در خدمت منافع فرد یا گروهی خاص قرار دهد و ملت این حق خداداد را از طرفی که در اصول بعد می‌آید اعمال می‌کند.

۲۴- اصل پنجاه و نهم: در مسائل بسیار مهم اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ممکن است اعمال قوه مقننه از راه همه‌پرسی و مراجعه مستقیم به آراء مردم صورت گیرد. در خواست مراجعه به آراء عمومی باید به تصویب دو سوم مجموع نمایندگان مجلس برسد.

۲۵- اصل یکصد و چهارم: به منظور تأمین قسط اسلامی و همکاری در تهیه برنامه‌ها و ایجاد هماهنگی در پیشرفت امور در واحدهای تولیدی، صنعتی و کشاورزی، شوراهایی مرکب از نمایندگان کارگران و دهقانان و دیگر کارکنان و مدیران، و در واحدهای آموزشی، اداری، خدماتی و مانند این‌ها شوراهایی مرکب از نمایندگان اعضاء این واحدها تشکیل می‌شود. چگونگی تشکیل این شوراها و حدود وظایف و اختیارات آن‌ها را قانون معین می‌کند.

۲۶- ماده ۶۶: سازمان‌های مردم‌نهادی که اساسنامه آن‌ها درباره حمایت از اطفال و نوجوانان، زنان، اشخاص بیمار و ناتوان جسمی یا ذهنی، محیط زیست، منابع طبیعی، میراث فرهنگی، بهداشت عمومی و حمایت از حقوق شهروندی است، می‌توانند نسبت به جرائم ارتكابی در زمینه‌های فوق اعلام جرم کنند و در تمام مراحل دادرسی جهت اقامه دلیل شرکت و نسبت به آراء مراجع قضایی اعتراض نمایند.

دارای حیثیت و جنبه عمومی باشد، اعلام جرم می‌گویند؛ یعنی هر شخصی می‌تواند اعلام جرم کند و تعقیب مجرم را از دادستان بخواهد؛ اما چنانچه جرمی جنبه خصوصی داشته باشد، فقط شاکی خصوصی می‌تواند شکایت کند و در صورت عدم شکایت، تکلیفی برای دادستان ایجاد نمی‌شود.

بنابراین مفاد ماده ۶۶ مبنی بر حق شرکت سمن‌ها (سازمان‌های مردم‌نهاد) در تمام مراحل دادرسی بدون حق مداخله در فرایند دادرسی و امکان اقامه دلیل و اعتراض به تصمیمات یا آرای قضایی است که رسالت دادخواهی سمن‌ها را در حد تماشاگر فرایند دادرسی کاهش داده است. علاوه بر این، تبصره سوم^{۲۷} ماده ۶۶ نیز برخلاف قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، شرطی غیرقابل توجیه (تصویب اسامی سمن‌ها توسط رییس قوه قضاییه) را در روند دادخواهی آن‌ها ایجاد نموده است؛ به عبارت دیگر، یک سمن (که تبعاً مطابق اصل بیست و ششم^{۲۸} قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیازی به اخذ مجوز ندارد) اگر اجازه تأسیس را از وزارت کشور کسب کرده و موجودیت قانونی و حقوقی نیز داشته باشد، ممکن است در لیست تهیه شده توسط وزیر دادگستری با همکاری وزیر کشور قرار نگیرد یا نام وی به تصویب رییس قوه قضاییه نرسد و از حق اعلام جرم نیز محروم شود. این در حالی است که در بسیاری از کشورها نظیر دانمارک، سوئد، ایتالیا و نروژ، سمن‌های زیست‌محیطی نقش مؤثری را در ابعاد تقنینی، قضایی و اجرایی ایفاء می‌کنند؛ برای مثال در کشور ایتالیا، در جرایمی که علیه محیط زیست واقع می‌شود، سمن‌های زیست‌محیطی ضمن اعلام جرم به پلیس محلی و طرح شکایت، اجازه حضور در دادگاه، دفاع، اعتراض به آرای صادر شده را دارند و از پرداخت هزینه دادرسی نیز معاف می‌باشند. اکنون در حوزه اتحادیه اروپا، بیش از هفتصد و چهل سمن زیست‌محیطی در ابعاد مختلف اعم از آلودگی هوا، خاک، آب، آلاینده‌های شهری ناشی از پسماندها و غیره مشغول به فعالیت هستند که ضمن حفظ استقلال خود، از حمایت‌های مادی و معنوی دولت‌ها نیز بهره‌مند می‌شوند (جعفری و احمدی، ۱۳۹۴، ۱۳).

آخرین جلوه پذیرش مشارکت‌گرایی در نظام عدالت کیفری ایران را می‌توان در «دستورالعمل نحوه

۲۷- تبصره ۳: اسامی سازمان‌های مردم‌نهاد که می‌توانند در اجرای این ماده اقدام کنند، در سه ماهه ابتدای هر سال توسط وزیر دادگستری با همکاری وزیر کشور تهیه می‌شود و به تصویب رییس قوه قضاییه می‌رسد.

۲۸- اصل بیست و ششم: احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده آزادند، مشروط به این که اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند. هیچ کس را نمی‌توان از شرکت در آن‌ها منع کرد یا به شرکت در یکی از آن‌ها مجبور ساخت.

مشارکت و تعامل نهادهای مردمی با قوه قضاییه» (مصوب ۱۳۹۸/۱۱/۲۸ رییس قوه قضاییه) مشاهده نمود که اهداف خود را تقویت رویکرد مشارکت مردمی و افزایش تعامل نهادهای مردمی با قوه قضاییه (بند الف ماده ۲)، تسهیل عملکرد نهادهای مردمی در موضوعات این دستورالعمل (بند ب ماده ۲)، ارتقای توانمندی و تقویت ظرفیت نهادهای مردمی (بند پ ماده ۲) و بهره‌مندی از ظرفیت نهادهای مردمی راستای تحقق اهداف قوه قضاییه (بند ت ماده ۲) بر شمرده و حوزه‌های مشارکت و فعالیت نهادهای مردمی را در موارد ذیل تعیین می‌نماید: مشارکت در سیاست‌گذاری (مواد ۱۴ و ۱۵)، مشارکت در پیشگیری از جرم (مواد ۱۶ الی ۱۹)، مشارکت در حمایت از بزه‌دیدگان (مواد ۲۰ تا ۲۲)، مشارکت در میانجیگری و صلح و سازش (مواد ۲۳ تا ۲۷)، مشارکت در نظارت بر اجرای قوانین (مواد ۲۸ و ۲۹)، مشارکت در فرایند رسیدگی (مواد ۳۰ الی ۳۳)، مشارکت در بازاجتماعی‌شدن متهمان و مجرمان (مواد ۳۴ تا ۴۵).

با وجود ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و دستورالعمل اخیرالتصویب رییس قوه قضاییه، نگاه به قوانین و مقررات مصوب در زمینه محیط زیست به‌طور خاص از جمله قانون شکار و صید، قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع، آیین‌نامه اخذ ورودیه از پارک‌ها و موزه‌ها، قانون مجازات صید غیرمجاز در دریا و غیره مؤید این مطلب است که در این متون قانونی، اشاره‌ای به حق اقامه دعوی توسط اشخاص خصوصی و یا سازمان‌هایی که متصدی امر حفاظت محیط زیست نمی‌باشند، نشده است (همتی، ۱۳۹۷، ۹). تنها در بند «ط»^{۲۹} ماده ۳۸ قانون برنامه پنج ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۹۶، قانون‌گذار، امکان مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد زیست‌محیطی را به صورت محدود و در تهیه، تدوین و اجرای برنامه‌های حفاظت از محیط زیست پیش‌بینی نموده است. البته همان‌گونه که از صدر این بند نیز واضح است، تنها موضوعات کلان در آن آمده و چالش‌های زیست‌محیطی شهری نادیده گرفته شده است؛ بنابراین به‌خوبی می‌توان دریافت که سیاست‌های قضایی ایران، رویکردی منفعل و محدودکننده را در دخیل نمودن سمن‌ها از جمله سمن‌های زیست‌محیطی اتخاذ نموده‌اند که این امر سبب گردیده تا بسیاری از این سمن‌ها، از کارایی و کارآمدی لازم برخوردار نباشند. این امر، به

۲۹- ماده ۳۸. دولت موظف است اقدامات زیر را جهت حفاظت از محیط‌زیست به‌عمل آورد: ط- تهیه، تدوین و اجرای برنامه عمل حفاظت و مدیریت از مناطق چهارگانه محیط زیست و گونه‌های در معرض تهدید و خطر انقراض حیات وحش کشور با رویکرد بهره‌گیری از ظرفیت‌های داوطلبانه و مشارکت اشخاص حقیقی و حقوقی با اولویت جوامع محلی و سازمان‌های مردم‌نهاد توسط سازمان حفاظت محیط زیست.

نوبه خود بر تردید رویه قضایی نسبت به پذیرش مشارکت عمومی در زمینه مقابله با جرایم زیست محیطی و پیشگیری از آن‌ها افزوده و فرایند مزبور را با اختلال مواجه نموده است.

نتیجه

باید بیان داشت که «فقدان راهبرد و خط‌مشی قضایی»، باعث عدم شکل‌گیری تعامل سازنده میان دادگستری با متولیان محیط زیست شده است. «اطاله دادرسی»، علاوه بر تراکم بالای پرونده‌های در حال رسیدگی، به ارجاع قهری پرونده‌های زیست محیطی به قضات فاقد آموزش و تجربه منجر گشته است که به نوعی بیانگر اتخاذ رویکرد مدیریت گرا و خروجی محور در محاکم قضایی است و در نهایت، «عدم اتخاذ رویکرد مشارکتی» منجر به اجرایی شدن دیر هنگام قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات مصوب ۱۳۸۷ و همچنین ناکارآمدی سازمان‌های مردم‌نهاد زیست محیطی گردیده است.

تعارض منافع

تعارض منافع در این مقاله وجود ندارد.

منابع

- باباخانی، عرفان، ۱۳۹۸، جرایم زیست محیطی سازمان یافته با تأکید بر حقوق فرانسه، **فصلنامه کارآگاه**، شماره ۴۹.
- بیگی زاده، بهروز؛ مؤذن زادگان، حسنعلی؛ کوشکی، غلامحسین، ۱۳۹۹، کاربست آیین دادرسی کیفری افتراقی نسبت به اشخاص حقوقی در مرحله تحقیقات مقدماتی، **فصلنامه پژوهش حقوق کیفری**، شماره ۲۹.
- تقی زاده انصاری، مصطفی، ۱۳۹۶، **حقوق کیفری محیط زیست** (الحاقات جدید)، چاپ اول، تهران، انتشارات سمت.
- پوربافرانی، حسن و همتی، مرضیه، ۱۳۹۵، نقد سیاست کیفری ایران در قبال جرایم زیست محیطی، **فصلنامه مجلس و راهبرد**، شماره ۸۷.
- حاجی وند، امین؛ میرکمالی، علیرضا؛ صفری، فرشید؛ سروی سرمیدانی، امید، ۱۳۹۷، مسئولیت کیفری دولت در قبال جرایم زیست محیطی در ایران: ضرورت‌ها و چالش‌ها، **فصلنامه علوم محیطی**، شماره ۲.
- جعفری، امین و احمدی، اصغر، ۱۳۹۴، عوام‌گرایی در عرصه سیاست‌گذاری کیفری زیست محیطی، **فصلنامه**

اخلاق زیستی، شماره ۱۵.

- جم، فرهاد، ۱۳۸۷، دسترسی به عدالت زیست‌محیطی: کاوشی در نظریه سمت و طرح دعاوی منفعت عمومی در ایالات متحده آمریکا، **فصلنامه حقوق اساسی**، شماره ۹.
- چکنی، مصطفی و حسنی، محمدحسن، ۱۳۹۷، راهبردهای مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد در فرایند کیفری (نقد و تحلیل ماده (۶۶) قانون آیین دادرسی کیفری)، **فصلنامه مجلس و راهبرد**، شماره ۹۴.
- حسینی، سیدمحمد و محمدی، مهرداد، ۱۳۹۶، واکاوی حق بشر بر محیط زیست، **دوفصلنامه مطالعات حقوق بشر اسلامی**، شماره ۱۲.
- درویشی، بابک و زینالی، امیرعلی، ۱۳۹۳، ماهیت ضمانت‌اجراهای اداری در نظام حقوقی ایران، **فصلنامه تحقیقات حقوقی ایران و بین‌الملل**، شماره ۲۵.
- رحیمی نژاد، اسماعیل، ۱۳۹۹، **جرم و جرم‌شناسی**، چاپ دوم، تهران، انتشارات فروزش.
- رمضانی قوام آبادی، محمدحسین و جوادمنش، جواد، ۱۳۹۵، مطالعه تطبیقی گستره مفهوم ذی‌نفع در اقامه دعوی زیست‌محیطی در حقوق ایران و اتحادیه اروپا، **فصلنامه مطالعات حقوق عمومی**، شماره ۴.
- سلاطین، پروانه و غفاری صومعه، نیلوفر، ۱۳۹۵، تأثیر سرمایه انسانی بر کیفیت محیط زیست، **فصلنامه انسان و محیط زیست**، شماره ۳۷.
- شامبیاتی، هوشنگ و پروینی، علی، ۱۳۹۳، تخصصی کردن ضابطین گامی به سوی حقوق کیفری قراردادی، **فصلنامه تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل**، شمار ۲۵.
- شیعه علی، علی؛ زارع، وحید؛ زارع، مجتبی، ۱۳۹۴، جایگاه سیاست جنایی مشارکتی واکنشی در مرحله تعقیب کیفری در حقوق ایران، **فصلنامه مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی**، شماره ۴ و ۵.
- فهیمی، عزیزاله و مشهدی، علی، ۱۳۸۸، ارزش ذاتی و ارزش ابزاری در فلسفه محیط زیست (از رویکرد فلسفی تا راهبردهای حقوقی)، **فصلنامه پژوهش‌های فلسفی - کلامی**، شماره ۱.
- قاسمی کهریزسنگی، راضیه و فرجیها، محمد، ۱۳۹۴، چالش عدالت و کارایی در گفتمان مدیریت‌گرایی کیفری، **دوفصلنامه آموزه‌های حقوق کیفری**، شماره ۹.
- قدسی، سیدابراهیم و گلدوزیان، حسین، ۱۳۹۲، تبیین جرم آلودگی محیط زیست (با تأملی بر ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی)، **دوفصلنامه راه و کالت**، شماره ۹.
- کوشکی، غلامحسن، ۱۳۸۸، چالش‌های نظام کیفری ایران در حوزه جرایم زیست‌محیطی، **دوفصلنامه اطلاع‌رسانی حقوقی**، شماره ۱۷ و ۱۸.

- گلدوست جویباری، رجب و پیوست، رحمان، ۱۳۹۰، نقش قضات در اطاله دادرسی، **فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی**، شماره ۵۴.
- لطفیان، سعیده و نصری فخرداوود، صدیقه، ۱۳۹۷، سیاست‌گذاری محیط زیست در ایران: چالش‌ها و راه‌حل‌ها، **فصلنامه سیاست**، شماره ۱.
- محمودی جانکی، فیروز و روستایی، مهرانگیز، ۱۳۹۲، توجیه مداخله کیفری؛ اصول و ضرورت‌ها، **فصلنامه پژوهش حقوق کیفری**، شماره ۳.
- ملکی، سعید و سعیدی، جعفر، ۱۳۹۵، بررسی ابعاد زیست‌محیطی و جایگاه محیط زیست شهری در برنامه‌های توسعه ایران، **فصلنامه مطالعات مدیریت شهری**، شماره ۲۷.
- مهدوی، محمود و علی‌نژاد، آذر، ۱۳۹۵، دموکراسی محیط زیستی؛ رویکرد مشارکتی در پاسخ به آسیب‌های محیط زیستی، **دوفصلنامه مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی**، شماره ۱ (پیاپی ۶).
- مهرا، نسرین؛ مؤذن، عباس؛ قورچی بیگی، مجید، ۱۳۹۶، تحلیل تطبیقی الگوهای کیفردهی در نظام کیفری ایران و انگلستان، **فصلنامه پژوهش حقوق کیفری**، شماره ۲۰.
- میری، مسلم، ۱۳۹۹، چالش‌های حقوقی حفاظت از بستر و حریم رودخانه‌ها در ایران، **فصلنامه تحقیقات منابع آب ایران**، شماره ۱.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین؛ فرجیها، محمد؛ خانعلی پور واجارگاه؛ سکینه، ۱۳۹۶، مشخصه‌های گفتمانی فرایند جرم‌انگاری ارتشاء در دهه ۱۳۶۰ خورشیدی، **فصلنامه مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی**، شماره ۲ (پیاپی ۹).
- نظری توکلی، سعید، ۱۳۹۳، اخلاق زیستی و تبیین بایستگی‌های حفاظت و بهره‌وری از منابع آب در راستای آموزه‌های فقه محیط زیست، **فصلنامه اخلاق زیستی**، شماره ۳.
- نوریان، علیرضا و سلیمی، احسان، ۱۳۹۶، مهلت معقول در مرحله پیش دادرسی کیفری؛ از سازوکارهای اعمال تا ضمانت اجرای نقض، **فصلنامه مجلس و راهبرد**، شماره ۹۲.
- وطنی، امیر و نرگسیان، محمد، ۱۳۹۷، جایگاه اصل رسیدگی در مدت معقول در فرایند کیفری، **فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی**، شماره ۸۴.
- همتی، مجتبی، ۱۳۹۷، اقامه دعوی جبران خسارت زیست‌محیطی در نظام حقوقی ایران، **فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی**، شماره ۸۱.

قوانین

- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
- قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۴
- قانون تعزیرات (کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی) مصوب ۱۳۷۵
- قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات مصوب ۱۳۸۷
- قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲
- قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲
- قانون برنامه پنج ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۹۶
- دستورالعمل نحوه مشارکت و تعامل نهادهای مردمی با قوه قضاییه مصوب ۱۳۹۸/۱۱/۲۸ رییس قوه قضاییه

Legal Civilization

No.10-Spring 2022

- Civil liability of the Official expert of the Judiciary in Iranian and French Law with Emphasis on Judicial Procedure - **Hasan Badini, Sepideh Razi, Mohamad Mehdi-pour**
- Saadi Shirazi's Compatibilities with the Teachings of Modern Public Law **Majid Najjarzadeh Hanjani**
- Criminal Protection of the Right to the Environment **SHima Naderi, Majid Motallebi**
- The Role of Civic Society in Citizenship Rights' Establishment **Farzaneh Dashti, Abdolkarim SHAheydar**
- The Effects of Increasing the Capital of Joint Stock Companies in Iranian and American Law **Afshin Mojahed**
- Judicial Challenges in Combating Environmental Crimes in Iranian Criminal Law **Esmaeil Kashkoulain, Abass Sheikh-holeslami**
- International Aviation Law Approach to Liability for Corona Virus Transmission in Aviation **Yeganeh Sadat Safavi**
- Effects of Government Contracts on Iranian and British Law **Mohammad Reza Burbur**
- Mediation, Participatory Justice System, third Generation Criminal Justice System and Litigation Rights - **Sadegh Fetili, Sayyed Mohammad Salehi**
- Value and Validity of Expert Theory in Iranian and French Law **Sayyed Jafar Hashemi Bajegani, Maisam Sobhani**
- Environmental Policy Approach in Reducing Risks; Strategies and Approaches **Zahra Tallieolia, Davud Khorramdel**
- Efficient Jurisprudential Rules in the Responsibility of Wasting People's Time **Hamid Soleymani, Rahime Abbasi - Bonari**
- the Role of UN Agencies in Preventing Environmental Pollution from Waste as Global Biosecurity **Rostam Ali Akbari, - Sayyed Mehdi Mousavi**
- Fundamentals of Correcting Non-Common Contracts in the Era of Legislation by Relying on Religious Rerms and Generalities **Sayyed Alireza Amin**
- New Reproductive-Biological Technologies and Child Rights: An Introduction to the Future of Childhood in Iran - **Maryam SHA'ban**
- Pathology of Determining the Punishment in Family Crimes in Fifth Book of the Islamic Penal Code (Tazirat) Approved in 1996; From Explaining the Damage to Providing Solutions **Mahdi Mozafari Anari, Mohammad Amini Zadeh, Ali Arefi Maskoni**
- The Principle of Correctness in Transactions with Emphasis on the Possibility of its Flow in Legal Doubts **Maedeh - Chini Saz, Omid Mohammadi, Ghasem Shaabani**
- About the Theory of Invalidity of Preliminary Investigations in the Iranian Criminal Proceedings (According to the Code of Criminal Procedure Approved in 2014) **Masoud Fadaei Dehcheshmeh, Amir Soleimani, Homeira Taheri**
- A Reflection on the Law Governing the Contractual Obligations of the Insurance Contract in Iranian and American Law - **Farzad Karami kolmoti, Hamed Babaei**
- Investigating the Establishment of Bailment in the British and American Legal Systems and its Application to the Trust - Institution in Iranian Law **Nastaran Arzainan, Mahsasadat Nabavi**
- Criteria for Separating the Crime of Kidnapping from Similar Crimes in the Iranian Penal System **Ahmadreza - Emtehani, Javad Naderi ooj Boghzi, Ali Paidarfard**
- An Introduction to the Principles and Obstacles of Extradition in International Law **Reza Alipanah**
- Corona Virus Effects on Juvenile Delinquency with Respect to USA Law **Peyman Dolatkah Pashaki**
- Manifestations of Change in the Differential Criminal Policy of the Crimes of the Armed Forces of Iran and the United - States of America by the Method of Impunity and Decriminalization **Yasser SHakeri, Alireza Salehi, GHolam Hosein Rezaei**